

"الان تمام مشکلاتو بررسی کردی مشکل بیمه ما مونده، نمی‌پرسی که اگر اینا آنقدر از بروز حادثه تو این ساختمان ترس داشتن چرا تجهیزات لازم برای مهار حادثه نداشتن؟"

تعدادی از کسبه ساختمان پلاسکو؛



نه صدای فریاد دلار فروش همیشگی میدان قدیمی شهر می‌آید و نه رفت و آمد رنگ گذشته را دارد. با وجود ماشین‌های عبوری و مغازه‌های باز؛ اما سکوت عجیبی در منطقه حاکم است. مردم انگار در راه رفتن نیز دقت می‌نند در گریبان، غمگین؛ مردمی پس از حادثه.

خیابان فردوسی تا نزدیکی چهار راه استانبول باز است؛ اما پس از آن برای نزدیک شدن به محل حادثه و یا صحبت با کسبه ساختمان پلاسکو که محل حادثه را ترک نکرده اند باید مسیری چند دقیقه‌ای را دور زد. مغازه‌های بین راه از جمله چرم فروشی‌های معروف و همچنین واحدهای عرضه پوشاک باز است؛ اما سکوت آن توی ذوق می‌زند.

در فضای دود آلود اطراف حادثه هیچ کس حتی اجازه یک ثانیه ایستادن ندارد؛ اما چند مرد با بهت به دودها خیره شده اند و کسی کاری به کار آنها ندارد.

"مغازه دارید؟"، "مال باخته م"، "بیمه نبودید؟" نگاه می‌کند: "الان تمام مشکلاتو بررسی کردی مشکل بیمه ما مونده، نمی‌پرسی که اگر اینا آنقدر از بروز حادثه تو این ساختمان چرا تجهیزات لازم برای مهار حادثه نداشتن؟" "از کی اینجایید؟" "یادم نمیداد."

عده ای در مقابل بیمه مرکزی ایستاده اند و عصبانی هستند. "مالک باید ساختمانو بیمه می‌کرد؛ اگر این اتفاق می افتاد مثل الان کاسه گدایی دستمون نمی‌گرفتیم که بجای 2 میلیارد سرمایه 150 میلیون تومن بهمون چک بدن." همین واکنش برای جمع شدن دیگر کسبه کافی است.

لباس مرد مشکلی است و یکی از چشمانش به خون نشسته، هنوز شوکه است: "حتما همه حرف های من رو پخش کنید بخاطر حقوق کمی که می‌گیرید خودتان را مدیون من نکنید. راس ساعت 7 در پلاسکو حضور داشتم. ساعت 8 یک واحد آتش گرفت و آتش نشانی هم در محل حادثه حضور پیدا کرد. بعد شهردار در محل حادثه حضور پیدا کرد. با وجود اینکه هیچ تجهیزات درست و حسابی در اختیار نداشتن که آتشو خاموش کنن اما فقط مانور و ژست سیاسی گرفتن.

مرد دیگری که صاحب سرفلی دو واحد از ساختمان فروریخته است در تایید حرف های مرد سیاه پوش می‌گوید: "امکانات آتش نشانی در حد صفر است. اگر شهرداری ابلاغ کرد که این ساختمان ناامن شده حداقل آمادگی لازمو برای زمان حادثه انجام می‌داد. صاحب این ملک بنیاد مستضعفانه اما هیچ اسمی از این بنیاد برده نشد، این سازمان ملک خودشو بیمه نکرده؛ اما الان از مالکین می‌پرسن چرا شما بیمه نیستید."

"ساختمان برای القایان بود." مرد میانسالی این را می‌گوید و کسبه حاضر سر تکان می‌دهند. "الان بنیاد کجاست؟ چرا همه می‌گن مقصر مغازه دارها هستن؟ ایمنی ملک وظیفه اصلی مالک بود. ناراحت کسانی هستیم که کشته شدن؛ اما اگر همه تقصیرها به گردن ماست پس چرا بعد از سه روز نتونستن موضوع را حل کنن؟"

مرد میانسال با اشاره به سکنه چند مغازه دار می‌گوید: "اونا سرمایه از دست دادن. زحمت سالیان طولانی الان نزدیک عید باید چه کنن؟ بنیاد مستضعفان 17 درصد بابت نقل و انتقال از کسبه پول دریافت می‌کرد؛ این پول کجا هزینه شده؟" جمعیت زیادتر می‌شود و برای همین است که گارد حاضر در صحنه می‌خواهد محل تجمع را ترک کنم. گفتم: " اینجا هستم که از مال باخته‌ها بنویسم از همه کسانی که سه روز است به خانه نرفته‌اند."

*ایلنا/ یاسمن خالقیان

برچسب‌ها: [ساختمان پلاسکو](#) [1]
[حوادث](#) [2]